

۲-۵. لیست طبقات معنایی به تفکیک واژه‌های هر سطح

۱-۲-۵. ارتباطات

واژه‌های سطح مقدماتی

اسم، بله، پاسخ، پرسیدن، ترجمه، تکرار، تلفن، جواب، خداحافظ، دوست، سلام، صحبت، صدا، قرار، متن، منفی، نام، نامه، همسایه

واژه‌های سطح میانی

احترام، احتیاج، احوال، احوال‌پرسی، ارتباط، اشاره، اطلاع، اطلاعات، امنیت، آدرس، آشنایی، باعث، بحث، بیان، پکت، پست، پستی، پیام، پیشنهاد، ترتیب، تلفن زدن، تماس، توضیح، توضیح دادن، جدول، جنگ، جواب دادن، حتما، حرف زدن، حمله، خارج، خاطر، خبر، خواهش، خواهش کردن، دست دادن، دسته، دفاع، دیدار، رابطه، رسیده، روش، سخن، سلام کردن، سمت، شاهد، شرط، شناسه، صحبت کردن، صحبت کردن، عبارت، علاقه، قبول، کارت، کاملاً، کلمه، گفتار، گفتاری، گفتگو، گوش کردن، گوش کردن، مانند، مثبت، مثلاً، معرفی، معنی، مقایسه، مکالمه، ممنون، موافق، نشان دادن، نشانی، نکته، هدف، همکاری

۲-۲-۵. اعداد

واژه‌های سطح مقدماتی

اول، بیست، پانزده، پنج، پنجاه، چهار، دو، ده، سه، سی، شش، شماره، صد، نه، هزار، هشت، هفت، یک

واژه‌های سطح میانی

اعداد، اولین، پانصد، پنجم، چهارده، چهارم، چهل، درصد، دوازده، دوم، دویست، سوم، سیزده، شانزده، شصت، شمارش، شمردن، صفر، عدد، میلیون، نخست، نود، نوزده، هجده، هشتاد، هفتاد، هفده، یازده

۳-۲-۵. افعال ساده

واژه‌های سطح مقدماتی

ایستادن، برداشتن، بردن، بودن، توانستن، خواستن، دادن، داشتن، دیدن، ریختن، زدن، شدن، شنیدن، کردن، گذاشتن، گرفتن، گفتن

واژه‌های سطح میانی

افتادن، انداختن، آوردن، بافتن، بخشیدن، پذیرفتن، پیچیدن، چیدن، ساختن، سوختن، شکستن، شناختن، کشیدن، گذاشتن، نگاه کردن، یافتن

۴-۲-۵. بدن

واژه‌های سطح مقدماتی

انسان، انگشت، بینی، پا، چاق، چشم، خواب، خون، دست، دندان، ریش، زبان، سر، سن، صورت، عینک، قد، گردن، گوش، لاغر، لب، مو، ناخن

واژه‌های سطح میانی

ابرو، استخوان، اندام، انگشت، آدام، بازو، بور، بوسیدن، پوست، تن، دماغ، دهان، رگ، شانه، شکم، کف، کمر، گونه، لذت، مرده، مغز، میل، نگاه

۵-۲-۵. پول

واژه‌های سطح مقدماتی

بازار، بانک، پول، تبدیل، خرید، خریدن، طلا، فروختن، فروشگاه، قیمت، کمک، مال

واژه‌های سطح میانی

ارزان، اقتصادی، بیمه، پرداختن، تأمین، تخفیف، تومان، حمایت، خرید کردن، سبد، سکه، فروشنده، قرض، کالا، کمک کردن، گران، گران قیمت، مربوط، واحد

۶-۲-۵. توصیف چیزها

واژه‌های سطح مقدماتی

الگو، آسان، باز، بد، بزرگ، بسته، بلند، پر، تمیز، تنها، حاضر، خالی، خوب، درست، دور، روی، زیاد، زیبا، زیر، ساده، سخت، عرض، کامل، کثیف، کم، کوتاه، کوچک، متر، مناسب، مهم، نرم، نزدیک، نیم

واژه‌های سطح میانی

ادامه، اصل، اضافه، افقی، بدون، به‌جای، بیدار، بیشتر، تحت، تعداد، تفاوت، تمام، تنگ، ثابت، جالب، جدا، جدید، جهانی، حد، خاموش، خراب، خشک، خطر، خطرناک، خیس، داخلی، درباره، دیگری، راحت، روان، زشت، زیادی، سایر، سایه، سبک، سطح، سنگین، سو، سوراخ، شبیه، شدت، صاف، صفت، ضد، ضروری، طرف، طول، عقب، عمودی، غلط، غیر، فاصله، قدیمی، قشنگ، قطره، قوی، کافی، کلی، کهنه، لرزیدن، متناسب، مثل، مختلف، مرحله، مشخص، مشکل، مفید، مقابل، مقدار، منظم، میان، نادرست، نشانه، نقطه، نو، نوار، نور، نوع، وحشی، وزن، وسط، وسیع، ویژه، یخ

۵-۲-۷. حیوانات

واژه‌های سطح مقدماتی

اسب، بز، پروانه، سگ، کبوتر، گربه، گنجشک، ماهی

واژه‌های سطح میانی

الاغ، آهو، بال، پرنده، تخم، جاندار، جفت، حشرات، حیوانات، خرگوش، خروس، روباه، زنبور، شاخ، شکار، طوطی، عقاب، فیل، قورباغه، کرم، کلاغ، گاو، گرگ، گوسفند، گوشتخوار، لانه، ماده، مار، مگس، نوک

۵-۲-۸. خانواده

واژه‌های سطح مقدماتی

بابا، بچه، برادر، پدر، پدربزرگ، پسر، تولد، خاله، خانوادگی، خانواده، خواهر، دایی، دختر، عمو، عمه، فرزند، کودک، ماما، مادربزرگ، مهمانی

واژه‌های سطح میانی

ازدواج، دخترخاله، شوهر، طلاق، عروس، فامیل، مادر، مهمان، نسبت، نوه، همسر

۵-۲-۹. دین

واژه‌های سطح مقدماتی

قرآن، مسجد، نماز

واژه‌های سطح میانی

اسلام، امام، انتظار، حق، حقیقت، خدا، خیر، دین، روزه، صبر کردن، عربی، مراسم، هدایت

۵-۲-۱۰. رفت و آمد

واژه‌های سطح مقدماتی

اتوبوس، آمدن، آهسته، تاکسی، تور، جنوب، خودرو، خیابان، دوچرخه، راه، رسیدن، رفتن، سفر، شمال، قطار، کوچه، ماشین، نقشه، هواپیما

واژه‌های سطح میانی

اتومبیل، اقامت، ایستگاه، برگشتن، بوق، پرواز کردن، پل، پیاده، ترافیک، جاده، جهت، چپ، چرخ، چمدان، چهارراه، راست، رانندگی، راه رفتن، رساندن، سوار، سوار شدن، سوت، طریق، طی، قایق، قدم، کیلومتر، مترو، مسافر، مسافرت، مستقیم، مسیر، مقصد، موتور

۵-۲-۱۱. رنگ‌ها

واژه‌های سطح مقدماتی

آبی، رنگ، زرد، سبز، سفید، سیاه، صورتی، قرمز، قهوه‌ای

واژه‌های سطح میانی

بنفش، توسی، تیره، سرمه‌ای، مشکی، نارنجی

۵-۲-۱۲. زمان

واژه‌های سطح مقدماتی

اردیبهشت، اسفند، امروز، آبان، آخر، آذر، بار، بعد، بهمن، پنجشنبه، پیش، تیر، جمعه، چهارشنبه، خرداد، دقیقه، دوشنبه، دی، دیروز، روز، زمان، زود، ساعت، سال، سه‌شنبه، شب، شروع، شنبه، شهریور، صبح، ظهر، فردا، فروردین، قبل، مرداد، موقع، مهر، وقت، هفته

واژه‌های سطح میانی

ابتدا، اخیر، اغلب، اکنون، امشب، انتها، اوقات، آغاز، آینده، بعد از، بعد از ظهر، پارسال، پایان، تقویم، ثانیه، دوران، دیر، دیشب، ربع، روزانه، روزمره، زمانی، شروع کردن، قبل از، قبلا، گاهی، مدت، معمولا، میزان، نوروز، وقتی، همیشه، یکشنبه

۱۳-۲-۵. ساختمان

واژه‌های سطح مقدماتی

اتاق، باغچه، پارک، پنجره، حمام، حیاط، دیوار، سالن، طبقه، کمد، منزل

واژه‌های سطح میانی

ایوان، پله، توالت، حوض، دستشویی، زنگ، قفسه، کابینت، کاشی

۱۴-۲-۵. سلامتی

واژه‌های سطح مقدماتی

بیمار، بیمارستان، پرستار، پزشک، دارو، دکتر، مسواک، مورد

واژه‌های سطح میانی

بیماری، تب، خمیردندان، داروخانه، درد، درمان، دستمال، سالم، سرفه، سلامتی، ضعیف، عطسه، علامت، عمل، قرص، مرگ، مریض، نابینا، نبض، نمونه

۱۵-۲-۵. سیاست

واژه‌های سطح مقدماتی

استان، امر، حدود، دستور، دنیا، رسمی، نفت

واژه‌های سطح میانی

اجتماعی، اجرا، اصلاح، افزایش، افزودن، انقلاب، آزادی، براساس، پایتخت، پرچم، پیوسته، تأکید، تشکیل، جامعه، جانشین کردن، جمعیت، حقوق، خاورمیانه، دولت، رأی، رسیدگی، ساختار، سیاست، سیاسی، صاحب، عمومی، قاعده، قانون، قدرت، مجلس، مسئول، مشخص کردن، مقام، ملت، ملی، وزیر

۱۶-۲-۵. شخصیت افراد

واژه‌های سطح مقدماتی

آقا، جوان، خانم، خسته، خوشحال، زن، مرد، مردم، نفر

واژه‌های سطح میانی

ارزش، افراد، انسانی، باادب، بادقت، باسواد، باهوش، بد اخلاق، بزرگی، پیر، پیرزن، پیرمرد، تجربه، تنبل، ثروتمند، جدی، جوانی، خاص، خجالتی، خنده، خوبی، خوش، دانا، سنتی، شجاع، شخص، صبور، عاشقانه، عصبانی، فرد، فقیر، قابل، کس، گریه، لبخند، مجرد، مرتب، مشهور، معروف، معمولی، موفق، مهربان، نادان، ناراحت، ناشناس، نگران

۱۷-۲-۵. شغل

واژه‌های سطح مقدماتی

پلیس، راننده، شرکت، شغل، کار، کارگر، کارمند، معلم، مهندس، همکار

واژه‌های سطح میانی

پستچی، جانشین، جلسه، خانه‌دار، خبرنگار، خیاط، خیاطی، راهنما، رئیس، سازمان، سرباز، صنعت، عامل، فرصت، فعالیت، کار کردن، کارکردن، کشاورز، کشاورزی، مشتری، مشغول، ملکی، منشی، نانوله‌نگهبان، نویسنده، ورزشکار، وکیل، هنرمند

۱۸-۲-۵. طبیعت

واژه‌های سطح مقدماتی

ابر، آتش، آسمان، آفتاب، باد، باران، برف، بهار، جنگل، خاک، خانه، درخت، دریاه رود، رودخانه، روستا، زمین، شهر، فصل، کشور، کوه، گرم، گل، ماه، هوا

واژه‌های سطح میانی

امواج، افتابی، بارانی، باریدن، برگ، بیابان، پاییز، تابستان، توفان، جزیره، چشمه، چوب، خنک، خورشید، دانه، دره، دریاچه، دشت، دود، ریشه، زمستان، ساحل، ستاره، سرد، سرما، سنگ، شاخه، شن، صحرا، طبیعت، علف، غروب، قله، کاشتن، کوهستان، کویر، گردباد، گرما، گیاه، محصول، منظره، مه

۱۹-۲-۵. غذا

واژه‌های سطح مقدماتی

انگور، آب، آشپز، آشپزخانه، برنج، بستنی، بشقاب، پرتقال، پنیر، پیاز، چای، چنگال، خوردن، خوشمزه، سبزی، سوپ، سیب، سیر، شام، شکر، شیر، صبحانه، عسل، غذا، فلفل، قاشق، قند، قهوه، کره، لیوان، ماست، مرغ، میوه، نان، ناهار، نمک، نوشابه

واژه‌های سطح میانی

انار، انرژی، ارد، بادام، بیسکویت، پختن، پخته، پسته، پیتزا، تخم مرغ، تخم‌مرغ، ترش، تشنه، تلخ، تند، توت، جوجه، جوشاندن، چلوکباب، خام، خامه، خرما، خوراکی، خیار، ذرت، رستوران، رنده، روغن، ژله، سالاد، ساندویچ، سفره، سیب‌زمینی، سینی، شربت، شور، شیرین، شیرینی، طعم، ظرف، فر، فریزر، فندق، قند، قوری، کاسه، کباب، کتری، کلم، کیک، گردو، گرسنه، گلابی، گندم، گوجه، گوشت، گیلان، لبنیات، مربا، مزه، موز، نوشیدن، نوشیدنی، نیرو، نیمرو، هلو، هندوانه، هویج، یخچال

۲۰-۲-۵. فناوری

واژه‌های سطح مقدماتی

ایترنت، برق، برنامه، رادیو، کامپیوتر

واژه‌های سطح میانی

ایمیل، داده، رایانه، سیم، شبکه، صوتی، کاربرد، متصل، موبایل

۲۱-۲-۵. کارهای روزمره

واژه‌های سطح مقدماتی

استفاده، بستن، جعبه، خوابیدن، نشستن

واژه‌های سطح میانی

اتفاق، ادامه‌دادن، استفاده کردن، اضافه کردن، امضا، انتخاب، انجام، انجام دادن، ایجاد، آشغال، آماده، آماده شدن، آماده کردن، بازکردن، بریدن، بیدار شدن، پیدا، پیدا کردن، ترازو، تلاش، تهیه، ثبت نام، جمع کردن، حدس، حرکت، خندیدن، درست کردن، دعوا کردن، دنبال، دوختن، رویداد، زباله، سایز، شستن، صف، عجله، قرارداد، قرار گرفتن، کشف، کیلوگرم، گم کردن، لازم، موجود، نوبت، همراه

۲۲-۲-۵. کلاس درس

واژه‌های سطح مقدماتی

استاد، امتحان، تاریخ، توجه، جمع، جمله، خواندن، خودکار، دانستن، دانشجو، دانشگاه، درس، دفتر، ریاضی، سؤال، صفحه، صندلی، فارسی، فعل، قلم، قید، کاغذ، کلاس، کیف، ماژیک، مثال، مداد، مدرسه، مصدر، میز، نظر، نمره، نوشتن، واژه

واژه‌های سطح میانی

ارائه، اشتباه، اعلام، التزامی، الفبا، انشا، بررسی، پسوند، تأثیر، تخته، تراش، تکلیف، تلفظ، تمرین، جامدادی، جغرافیه، جلد، حروف، دانش آموز، دبستان، دبیرستان، درس خواندن، دوره، دیکته، رشته، ستاک، سؤال، شرطی، شیمی، صحیح، ضمیر، علم، علمی، غایب، فاعل، فکر، فیزیک، کارنامه، گچ، لغت، مالکیت، مرکب، مسئله، مطلب، مفرد، مفعول، منبع، نوشتاری، نوشته، وصل، وصل کردن، یاد گرفتن

۲۳-۲-۵. لباس

واژه‌های سطح مقدماتی

بند، پوشیدن، پیراهن، جوراب، چتر، دامن، دستکش، روسری، ژاکت، شلوار، کفش، کلاه، لباس

واژه‌های سطح میانی

بلوز، پالتو، پشمی، پوشاک، پوشاندن، جیب، چادر، دکمه، زبر، زیپ، کت، کمربند، گشاد، مانتو، نخ، نشان، یقه

۲۴-۲-۵. مفاهیم انتزاعی

واژه‌های سطح مقدماتی

چیز، حال، خط، زندگی، شکل

واژه‌های سطح میانی

اثر، اختیار، اساس، امکان، امید، اهمیت، تغییر، جنس، درک، دلیل، رشد، زندگی کردن، شیء، علت، گذشته، مفهوم، ممکن، مواد، نیاز، وجود، وجود داشتن، وضعیت

۵-۲-۲۵. مکان‌ها

واژه‌های سطح مقدماتی

اداره، اروپا، اهل، ایران، آلمان، بالا، بخش، پایین، پشت، داخل، رو، روسیه، ساختمان، شلوغ، غرب، کتابخانه، کنار، محل، مغازه، مکان، میدان، هند

واژه‌های سطح میانی

اسپانیا، استخر، استرالیا، امن، اوکراین، ایتالیا، باشگاه، باغ، بنا، بندر، بنیاد، بیرون، پارکینگ، تابلو، تعطیل، جا، جلو، جلوی، جهان، حضور، خلوت، خوابگاه، روبروی، ژاپن، ساکن، سقف، شرق، فرانسه، فضا، قارمه کارخانه، محله، مرز، مرکز، مرکزی، مزرعه، مطب، ملیت، منطقه، مؤسسه، ناوایی، نیمکت، وارد، ویترن، هتل

۵-۲-۲۶. ورزش و سرگرمی

واژه‌های سطح مقدماتی

بازی، فوتبال، کشتی، ورزش

واژه‌های سطح میانی

اسباب بازی، بازی کردن، برنده، پدید آمدن ترکیب، تفریح، توپ، تیم، جایزه جشن، داور، دویدن، شطرنج، شنا، عروسک، قهرمان، گردش، مسابقه، والیبال، ورق، هیجان

۵-۲-۲۷. وسایل

واژه‌های سطح مقدماتی

آینه، پارچه، پرده، تلویزیون، چاقو، چراغ، حوله، دوش، روشن، سطل، سوزن، صابون، فرش، قیچی، کلید، گلدان، لامپ، مبل، نخ، وسیله

واژه‌های سطح میانی

اتو، اثاث، استکان، آهن، بالش، بخاری، برس، پارچ، پنبه، تخت، تفنگ، جارو، چسب، خمیر، رختخواب، روشن کردن، شامپو، شمع، شیشه، طناب، قاب، قالی، قوطی، کیسه، لوله، نردبان، وان، وسایل

۵-۲-۲۸. هنر و فرهنگ

واژه‌های سطح مقدماتی

ادبیات، آواز، روزنامه، عکس، عنوان، فیلم، کتاب، گروه، موسیقی، نقاشی

واژه‌های سطح میانی

اصلی، افسانه، آهنگ، پاپ، تصویر، تولید، جریان، چاپ، دیو، زمینه، زنده، ساز، سرگرمی، سینما، طراحی، طرح، عضو، فرهنگ، فهرست، قسمت، مجله، موضوع، نسخه، نقش، هنر